ترتیبها ۱۷

سُورَةُ الإِسۡرَاء

آیاتها ۱۱۱

جزء ۱۵ حزب ۲۹

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

به نام الله مهر گستر مهربان

سُبۡحَٰنَ ٱلَّذِيٓ أَسۡرَىٰ بِعَبۡدِهِۦ لَيۡلٗا مِّنَ ٱلۡمَسۡجِدِ ٱلۡحَرَامِ
پاکا آن که بُبرد بندهٔ خود را در شبی از مسجد الحرام

إِلَى ٱلۡمَسۡجِدِ ٱلۡأَقۡصَا ٱلَّذِي بَٰرَكۡنَا حَوۡلَهُۥ لِنُرِيَهُۥ مِنۡ ءَايَٰتِنَآۚ إِنَّهُۥ
به مسجد الاقصی که برکت نهادیم گرداگرد آن به او بنماییم برخی از نشانه های خود را همانا اوست

هُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡبَصِيرُ ﴿١﴾ وَءَاتَيۡنَا مُوسَى ٱلۡكِتَٰبَ وَجَعَلۡنَٰهُ
آن شنوای بینا (۱) و دادیم به موسی کتاب را و قرار دادیم آن را

هُدٗى لِّبَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ أَلَّا تَتَّخِذُواْ مِن دُونِي وَكِيلٗا ﴿٢﴾
راهنمودی برای بنی اسرائیل [گفتیم] که مگیرید جز من کارسازی را (۲)

ذُرِّيَّةَ مَنۡ حَمَلۡنَا مَعَ نُوحٍۚ إِنَّهُۥ كَانَ عَبۡدٗا شَكُورٗا ﴿٣﴾
[بنی اسرائیل همان]فرزندان کسانی که برداشتیم [آنان را] با نوح هر آینه او بود بنده ای سپاسگزار (۳)

وَقَضَيۡنَآ إِلَىٰ بَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ فِي ٱلۡكِتَٰبِ لَتُفۡسِدُنَّ فِي ٱلۡأَرۡضِ
و اعلام کردیم به بنی اسرائیل در کتاب[تورات] هر آینه فساد خواهید کرد در زمین

مَرَّتَيۡنِ وَلَتَعۡلُنَّ عُلُوّٗا كَبِيرٗا ﴿٤﴾ فَإِذَا جَآءَ وَعۡدُ أُولَىٰهُمَا بَعَثۡنَا
دوبار والبته برتری‌جویی خواهید کرد برتری جویی بزرگی (۴) پس چون بیاید وعدهٔ نخستین از آن دو [تباهی] برمی‌انگیزیم

عَلَيۡكُمۡ عِبَادٗا لَّنَآ أُوْلِي بَأۡسٖ شَدِيدٖ فَجَاسُواْ خِلَٰلَ ٱلدِّيَارِۚ
بر شما بندگانی از خود را که جنگاور توانمندند پس درآیند درون خانه ها

وَكَانَ وَعۡدٗا مَّفۡعُولٗا ﴿٥﴾ ثُمَّ رَدَدۡنَا لَكُمُ ٱلۡكَرَّةَ عَلَيۡهِمۡ
و هست [این] وعده ای انجام یافتنی (۵) باز برگردانیم برای شما یورش را بر آنان

وَأَمۡدَدۡنَٰكُم بِأَمۡوَٰلٖ وَبَنِينَ وَجَعَلۡنَٰكُمۡ أَكۡثَرَ نَفِيرًا ﴿٦﴾
و یاری دهیم شما را با مال ها و فرزندان و می گردانیم شما را بیشتر از جهت نفرات [لشکر] (۶)

إِنۡ أَحۡسَنتُمۡ أَحۡسَنتُمۡ لِأَنفُسِكُمۡۖ وَإِنۡ أَسَأۡتُمۡ فَلَهَاۚ فَإِذَا جَآءَ
اگر نیکی کنید نیکی کرده اید به خودتان و اگر بدی کنید به خود[کرده اید] پس چون بیاید

وَعۡدُ ٱلۡأٓخِرَةِ لِيَسُـُٔواْ وُجُوهَكُمۡ وَلِيَدۡخُلُواْ ٱلۡمَسۡجِدَ
وعدهٔ دیگر بار [بفرستیم بندگان خود را] تا اندوهگین سازند چهرهایتان را و تا درآیند به مسجد

كَمَا دَخَلُوهُ أَوَّلَ مَرَّةٖ وَلِيُتَبِّرُواْ مَا عَلَوۡاْ تَتۡبِيرًا ﴿٧﴾
چنانکه درآمده بودند نخستین بار و تا نابود کنند آنچه را دست یابند نابود کردنی سخت (۷)

عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَن يَرْحَمَكُمْ ۚ وَإِنْ عُدتُّمْ عُدْنَا ۘ وَجَعَلْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ
امید است که پروردگار شما که رحم کند بر شما و اگر باز گردید [به تباهی] ما باز می گردیم [به کیفر] و قرار دادهایم دوزخ را برای کافران

حَصِيرًا ﴿٨﴾ إِنَّ هَٰذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ
زندان ۸ همانا این قرآن راه می نماید به راهی که آن درست تر است و مژده می دهد

الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا ﴿٩﴾
مؤمنان را همانان که می‌کنند کارهای شایسته به آنکه برای شان باشد مزدی بزرگ ۹

وَأَنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ أَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ﴿١٠﴾
و همانا آنان که ایمان نمی آورند به آخرت آماده کرده ایم برای ایشان عذابی دردناک را ۱۰

وَيَدْعُ الْإِنسَانُ بِالشَّرِّ دُعَاءَهُ بِالْخَيْرِ ۖ وَكَانَ الْإِنسَانُ عَجُولًا ﴿١١﴾
و می‌خواند آدمی به بدی [همچون] درخواست او به نیکی و هست آدمی شتابکار ۱۱

وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ آيَتَيْنِ ۖ فَمَحَوْنَا آيَةَ اللَّيْلِ وَجَعَلْنَا آيَةَ
و قرار دادیم شب و روز را دو نشانه پس محو کردیم نشانهٔ شب را [تاریکی آن را به تابش خورشید محو کردیم] و قرار دادیم نشانهٔ

النَّهَارِ مُبْصِرَةً لِّتَبْتَغُوا فَضْلًا مِّن رَّبِّكُمْ وَلِتَعْلَمُوا عَدَدَ
روز [آفتاب] را سبب دیدن شما تا طلب کنید بخششی از پروردگار خود را و تا بدانید شمار

السِّنِينَ وَالْحِسَابَ ۚ وَكُلَّ شَيْءٍ فَصَّلْنَاهُ تَفْصِيلًا ﴿١٢﴾ وَكُلَّ
سال ها و حساب را و هر چیزی را باز نموده ایم به تفصیل ۱۲ و هر

إِنسَانٍ أَلْزَمْنَاهُ طَائِرَهُ فِي عُنُقِهِ ۖ وَنُخْرِجُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كِتَابًا
انسانی را بربسته ایم کردار او را به گردنش و بیرون آریم برای او روز رستاخیز نامه‌یی که

يَلْقَاهُ مَنشُورًا ﴿١٣﴾ اقْرَأْ كِتَابَكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا
می بیند آن را گشاده ۱۳ بخوان نامهٔ خود را کافی است که تو امروز بر خودت حساب گر باشی

﴿١٤﴾ مَّنِ اهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ ۖ وَمَن ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ
۱۴ هرکه راه‌یاب شد پس جز این نیست که راه‌یاب می شود به سود خود و هرکه گمراه شد پس جز این نیست که گمراه می شود

عَلَيْهَا ۚ وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ ۗ وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّىٰ نَبْعَثَ
به ضرر خود و برندارد هیچ بردارنده ای بار دیگری را و نیستیم ما عذاب کننده تا آنکه برانگیزیم

رَسُولًا ﴿١٥﴾ وَإِذَا أَرَدْنَا أَن نُّهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا
پیامبری را ۱۵ و چون خواهیم که هلاک کنیم آبادی ای را فرمان [و قدرت] می دهیم به خوشگذران‌های آن پس نافرمانی کنند در آن

فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْنَاهَا تَدْمِيرًا ﴿١٦﴾ وَكَمْ أَهْلَكْنَا مِنَ
پس سزاوار می گردد بر آن [آبادی] وعدهٔ [عذاب] پس آن را نابود کنیم به سختی ۱۶ و چه بسیار هلاک کردیم از

الْقُرُونِ مِن بَعْدِ نُوحٍ ۗ وَكَفَىٰ بِرَبِّكَ بِذُنُوبِ عِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا ﴿١٧﴾
مردم زمان‌ها بعد از نوح و همین بس که پروردگارت به گناهان بندگان خود آگاه بینا است ۱۷

مَّن كَانَ يُرِيدُ ٱلۡعَاجِلَةَ عَجَّلۡنَا لَهُۥ فِيهَا مَا نَشَآءُ لِمَن نُّرِيدُ ثُمَّ
هرکه بخواهد این جهان زودگذر را به شتاب دهیم به وی در آن آنچه را خواهیم برای هرکس که اراده کنیم سپس

جَعَلۡنَا لَهُۥ جَهَنَّمَ يَصۡلَىٰهَا مَذۡمُومٗا مَّدۡحُورٗا ﴿١٨﴾ وَمَنۡ أَرَادَ
قرار می‌دهیم برای او دوزخ را که درآید در آن نکوهیدهٔ رانده شده ﴿۱۸﴾ و هرکه بخواهد

ٱلۡأٓخِرَةَ وَسَعَىٰ لَهَا سَعۡيَهَا وَهُوَ مُؤۡمِنٞ فَأُوْلَٰٓئِكَ كَانَ
آخرت را و سعی کند برای آن کوشش درخور آن را و او مؤمن باشد پس آنان باشد

سَعۡيُهُم مَّشۡكُورٗا ﴿١٩﴾ كُلّٗا نُّمِدُّ هَٰٓؤُلَآءِ وَهَٰٓؤُلَآءِ مِنۡ عَطَآءِ
سعی ایشان سپاس داشته شده ﴿۱۹﴾ همه را یاری می رسانیم این گروه و آن گروه را از بخشش

رَبِّكَۚ وَمَا كَانَ عَطَآءُ رَبِّكَ مَحۡظُورًا ﴿٢٠﴾ ٱنظُرۡ كَيۡفَ فَضَّلۡنَا
پروردگارت و نیست بخشش پروردگار تو بازداشته شده ﴿۲۰﴾ ببین چگونه برتری داده‌ایم

بَعۡضَهُمۡ عَلَىٰ بَعۡضٖۚ وَلَلۡأٓخِرَةُ أَكۡبَرُ دَرَجَٰتٖ وَأَكۡبَرُ تَفۡضِيلٗا
بعض از آنان را بر بعضی [در دنیا] و هر آینه آخرت بزرگ تر است از جهت درجات و بزرگ تر است در برتری

﴿٢١﴾ لَّا تَجۡعَلۡ مَعَ ٱللَّهِ إِلَٰهًا ءَاخَرَ فَتَقۡعُدَ مَذۡمُومٗا مَّخۡذُولٗا ﴿٢٢﴾
﴿۲۱﴾ قرار مده با الله اله دیگری را که بنشینی نکوهیدهٔ بی یار مانده ﴿۲۲﴾

ربع حزب ۲۹

۞ وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعۡبُدُوٓاْ إِلَّآ إِيَّاهُ وَبِٱلۡوَٰلِدَيۡنِ إِحۡسَٰنًاۚ إِمَّا
و حکم کرده است پروردگار تو که عبادت مکنید مگر او را و با پدر و مادر نیکوکاری کنید اگر

يَبۡلُغَنَّ عِندَكَ ٱلۡكِبَرَ أَحَدُهُمَآ أَوۡ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُل لَّهُمَآ
برسد نزد تو به کلان سالی یکی از ایشان یا هردوی ایشان پس مگو به آنان

أُفّٖ وَلَا تَنۡهَرۡهُمَا وَقُل لَّهُمَا قَوۡلٗا كَرِيمٗا ﴿٢٣﴾ وَٱخۡفِضۡ
اف [= کمترین اظهار ناراحتی] و بانگ مزن بر ایشان و بگو به ایشان سخنی نیکو ﴿۲۳﴾ و فروداور

لَهُمَا جَنَاحَ ٱلذُّلِّ مِنَ ٱلرَّحۡمَةِ وَقُل رَّبِّ ٱرۡحَمۡهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي
بر ایشان بال فروتنی را از روی مهربانی و بگو [ای] پروردگارم بر آن دو رحمت آور چنانچه پرورش دادند مرا

صَغِيرٗا ﴿٢٤﴾ رَّبُّكُمۡ أَعۡلَمُ بِمَا فِي نُفُوسِكُمۡۚ إِن تَكُونُواْ صَٰلِحِينَ
در خردسالی ﴿۲۴﴾ پروردگار شما داناتر است به آنچه در دل شماست اگر باشید شایسته گان

فَإِنَّهُۥ كَانَ لِلۡأَوَّٰبِينَ غَفُورٗا ﴿٢٥﴾ وَءَاتِ ذَا ٱلۡقُرۡبَىٰ حَقَّهُۥ
پس همانا او برای بازگشت کنندگان آمرزنده است ﴿۲۵﴾ و بده به خویشاوند حق او را

وَٱلۡمِسۡكِينَ وَٱبۡنَ ٱلسَّبِيلِ وَلَا تُبَذِّرۡ تَبۡذِيرًا ﴿٢٦﴾ إِنَّ ٱلۡمُبَذِّرِينَ
و به بینوا و در راه مانده و هیچ گونه ریخت و پاشی مکن ﴿۲۶﴾ همانا ریخت و پاش کنندگان

كَانُوٓاْ إِخۡوَٰنَ ٱلشَّيَٰطِينِۖ وَكَانَ ٱلشَّيۡطَٰنُ لِرَبِّهِۦ كَفُورٗا ﴿٢٧﴾
هستند برادران شیاطین و هست شیطان برای پروردگار خود بسی ناسپاس ﴿۲۷﴾

وَإِمَّا تُعۡرِضَنَّ عَنۡهُمُ ٱبۡتِغَآءَ رَحۡمَةٖ مِّن رَّبِّكَ تَرۡجُوهَا فَقُل لَّهُمۡ قَوۡلٗا
و اگر روبگردانی از آنها به جستجوی رحمتی [رزقی] از پروردگار خود که امیدوار آن باشی پس بگو به ایشان گفتاری

مَّيۡسُورٗا ۝٢٨ وَلَا تَجۡعَلۡ يَدَكَ مَغۡلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبۡسُطۡهَا
نرم ۲۸ و قرار مده دست خود را بسته به گردن خود [بخل مکن] و مگشای آن را

كُلَّ ٱلۡبَسۡطِ فَتَقۡعُدَ مَلُومٗا مَّحۡسُورًا ۝٢٩ إِنَّ رَبَّكَ يَبۡسُطُ ٱلرِّزۡقَ
تمام گشاده که بنشینی نکوهیدهٔ درمانده ۲۹ همانا پروردگار تو می گسترد روزی را

لِمَن يَشَآءُ وَيَقۡدِرُۚ إِنَّهُۥ كَانَ بِعِبَادِهِۦ خَبِيرَۢا بَصِيرٗا ۝٣٠ وَلَا تَقۡتُلُوٓاْ
برای هرکه خواهد و تنگ می دارد بی گمان او هست به [مصالح] بندگان خود آگاه بینا ۳۰ و مکشید

أَوۡلَٰدَكُمۡ خَشۡيَةَ إِمۡلَٰقٖۖ نَّحۡنُ نَرۡزُقُهُمۡ وَإِيَّاكُمۡۚ إِنَّ قَتۡلَهُمۡ كَانَ
فرزندان خود را از ترس تنگدستی ما روزی می‌دهیم آنان را و شما را همانا کشتن ایشان هست

خِطۡـٔٗا كَبِيرٗا ۝٣١ وَلَا تَقۡرَبُواْ ٱلزِّنَىٰٓۖ إِنَّهُۥ كَانَ فَٰحِشَةٗ وَسَآءَ
گناهی بزرگ ۳۱ و نزدیک مشوید به زنا که همانا آن هست کاری زشت و بد

سَبِيلٗا ۝٣٢ وَلَا تَقۡتُلُواْ ٱلنَّفۡسَ ٱلَّتِي حَرَّمَ ٱللَّهُ إِلَّا بِٱلۡحَقِّۗ وَمَن
راهی است ۳۲ و مکشید آن کس را که حرام ساخته است الله [کشتن او را] مگر به حق و هرکه

قُتِلَ مَظۡلُومٗا فَقَدۡ جَعَلۡنَا لِوَلِيِّهِۦ سُلۡطَٰنٗا فَلَا يُسۡرِف فِّي
کشته شود به ستم پس قرار داده ایم برای وارث او تسلّطی [بر قصاص] را پس باید که زیاده روی نکند در

ٱلۡقَتۡلِۖ إِنَّهُۥ كَانَ مَنصُورٗا ۝٣٣ وَلَا تَقۡرَبُواْ مَالَ ٱلۡيَتِيمِ إِلَّا بِٱلَّتِي
کشتن زیرا او [ولی] یاری شده است ۳۳ و نزدیک مشوید به مال یتیم مگر به طریقی که

هِيَ أَحۡسَنُ حَتَّىٰ يَبۡلُغَ أَشُدَّهُۥۚ وَأَوۡفُواْ بِٱلۡعَهۡدِۖ إِنَّ ٱلۡعَهۡدَ كَانَ
آن نیکوتر است تا آنکه برسد به سن بلوغ خود و وفا کنید به پیمان همانا از پیمان

مَسۡـُٔولٗا ۝٣٤ وَأَوۡفُواْ ٱلۡكَيۡلَ إِذَا كِلۡتُمۡ وَزِنُواْ بِٱلۡقِسۡطَاسِ ٱلۡمُسۡتَقِيمِۚ
پرسیده خواهد شد ۳۴ و تمام و کامل کنید پیمانه را چون پیمانه کنید و وزن کنید با ترازوی راست

ذَٰلِكَ خَيۡرٞ وَأَحۡسَنُ تَأۡوِيلٗا ۝٣٥ وَلَا تَقۡفُ مَا لَيۡسَ لَكَ بِهِۦ عِلۡمٌۚ
این بهتر و نیکوتر است از جهت فرجام ۳۵ و دنبال نکن چیزی را که نیست برای تو به آن دانشی

إِنَّ ٱلسَّمۡعَ وَٱلۡبَصَرَ وَٱلۡفُؤَادَ كُلُّ أُوْلَٰٓئِكَ كَانَ عَنۡهُ مَسۡـُٔولٗا ۝٣٦
همانا شنوایی و چشم و دل از همهٔ آنها درباره آن پرسیده می شود ۳۶

وَلَا تَمۡشِ فِي ٱلۡأَرۡضِ مَرَحًاۖ إِنَّكَ لَن تَخۡرِقَ ٱلۡأَرۡضَ وَلَن تَبۡلُغَ
و گام برمدار در زمین خرامان همانا تو نخواهی شگافت زمین را و نخواهی رسید

ٱلۡجِبَالَ طُولٗا ۝٣٧ كُلُّ ذَٰلِكَ كَانَ سَيِّئُهُۥ عِندَ رَبِّكَ مَكۡرُوهٗا ۝٣٨
به کوه‌ها در بلندی ۳۷ همهٔ اینها هست بدی آن نزد پروردگار تو ناپسندیده ۳۸

ذَٰلِكَ مِمَّآ أَوۡحَىٰٓ إِلَيۡكَ رَبُّكَ مِنَ ٱلۡحِكۡمَةِۗ وَلَا تَجۡعَلۡ مَعَ ٱللَّهِ إِلَٰهًا
این [دستورات] از آن چیزی است که وحی کرده است به سوی تو پروردگارت از حکمت و قرار مده با الله اله

ءَاخَرَ فَتُلۡقَىٰ فِي جَهَنَّمَ مَلُومٗا مَّدۡحُورًا ﴿٣٩﴾ أَفَأَصۡفَىٰكُمۡ رَبُّكُم
دیگری را پس انداخته شوی در دوزخ نکوهیده رانده شده ۳۹ آیا برگزید شما را پروردگارتان

بِٱلۡبَنِينَ وَٱتَّخَذَ مِنَ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةِ إِنَٰثًاۚ إِنَّكُمۡ لَتَقُولُونَ قَوۡلًا عَظِيمٗا ﴿٤٠﴾
به [داشتن] پسران و [خود] گرفت از فرشتگان دخترانی را؟ همانا شما می گویید سخنی بزرگ را ۴۰

وَلَقَدۡ صَرَّفۡنَا فِي هَٰذَا ٱلۡقُرۡءَانِ لِيَذَّكَّرُواْ وَمَا يَزِيدُهُمۡ إِلَّا نُفُورٗا ﴿٤١﴾
و به درستی که گوناگون سخن گفته‌ایم در این قرآن تا پندپذیرند درحالی که نمی افزاید بر ایشان مگر رمیدن را ۴۱

قُل لَّوۡ كَانَ مَعَهُۥٓ ءَالِهَةٞ كَمَا يَقُولُونَ إِذٗا لَّٱبۡتَغَوۡاْ إِلَىٰ ذِي ٱلۡعَرۡشِ سَبِيلٗا
بگو اگر می بودند با او[خدا] اله های دیگر چنانچه می گویند آنگاه می‌جستند به سوی صاحب عرش راهی را

﴿٤٢﴾ سُبۡحَٰنَهُۥ وَتَعَٰلَىٰ عَمَّا يَقُولُونَ عُلُوّٗا كَبِيرٗا ﴿٤٣﴾ تُسَبِّحُ لَهُ ٱلسَّمَٰوَٰتُ
۴۲ پاکا او و والاتر است از آنچه می گویند به والایی بزرگی ۴۳ به پاکی یاد می کند او را هفت

ٱلسَّبۡعُ وَٱلۡأَرۡضُ وَمَن فِيهِنَّۚ وَإِن مِّن شَيۡءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمۡدِهِۦ وَلَٰكِن
آسمان و زمین و هرکه در این‌هاست و نیست هیچ چیزی مگر به پاکی یاد می کند به ستایش او و لیکن

لَّا تَفۡقَهُونَ تَسۡبِيحَهُمۡۚ إِنَّهُۥ كَانَ حَلِيمًا غَفُورٗا ﴿٤٤﴾ وَإِذَا قَرَأۡتَ
شما نمی‌فهمید تسبیح شان را همانا او هست بردباری آمرزگار ۴۴ و چون بخوانی

ٱلۡقُرۡءَانَ جَعَلۡنَا بَيۡنَكَ وَبَيۡنَ ٱلَّذِينَ لَا يُؤۡمِنُونَ بِٱلۡأٓخِرَةِ حِجَابٗا
قرآن را قرار می دهیم میان تو و میان آنان که ایمان ندارند به آخرت پرده ای

مَّسۡتُورٗا ﴿٤٥﴾ وَجَعَلۡنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمۡ أَكِنَّةً أَن يَفۡقَهُوهُ وَفِيٓ ءَاذَانِهِمۡ
پوشیده را ۴۵ و قرار می دهیم بر دل های شان پوشش هایی را که آن را نفهمند و در گوش‌هایشان

وَقۡرٗاۚ وَإِذَا ذَكَرۡتَ رَبَّكَ فِي ٱلۡقُرۡءَانِ وَحۡدَهُۥ وَلَّوۡاْ عَلَىٰٓ أَدۡبَٰرِهِمۡ نُفُورٗا
گرانی را [می‌نهیم] و چون یادکنی پروردگار خود را در قرآن به یگانگی روی می گردانند بر جانب پشت‌های خود به حالت رمیدگی

﴿٤٦﴾ نَّحۡنُ أَعۡلَمُ بِمَا يَسۡتَمِعُونَ بِهِۦٓ إِذۡ يَسۡتَمِعُونَ إِلَيۡكَ وَإِذۡ هُمۡ نَجۡوَىٰٓ
۴۶ ما داناتریم به چیزی که می‌شنوند به سبب آن آنگاه که گوش می‌نهند به سوی تو و آنگاه که آنان رازگویان باشند

إِذۡ يَقُولُ ٱلظَّٰلِمُونَ إِن تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلٗا مَّسۡحُورًا ﴿٤٧﴾ ٱنظُرۡ
آنگاه می‌گویند این ستمکاران پیروی نمی کنید مگر مردی جادو شده را ۴۷ بنگر

كَيۡفَ ضَرَبُواْ لَكَ ٱلۡأَمۡثَالَ فَضَلُّواْ فَلَا يَسۡتَطِيعُونَ سَبِيلٗا ﴿٤٨﴾
چگونه زدند برای تو مثل ها را پس گمراه شدند پس نمی توانند راهی را بیابند ۴۸

وَقَالُوٓاْ أَءِذَا كُنَّا عِظَٰمٗا وَرُفَٰتًا أَءِنَّا لَمَبۡعُوثُونَ خَلۡقٗا جَدِيدٗا ﴿٤٩﴾
و گفتند آیا چون شویم استخوان هایی و [اعضایی] پوسیده و ریز ریز آیا ما برانگیخته شویم به آفرینشی نوین؟ ۴۹

نصف حزب ۲۹

۞ قُلْ كُونُوا۟ حِجَارَةً أَوْ حَدِيدًا ﴿٥٠﴾ أَوْ خَلْقًا مِّمَّا يَكْبُرُ فِى
بگو شوید سنگ ها یا آهن ﴿۵۰﴾ یا آفریده ای دیگر شوید از آنچه بزرگ نماید در

صُدُورِكُمْ ۚ فَسَيَقُولُونَ مَن يُعِيدُنَا ۖ قُلِ ٱلَّذِى فَطَرَكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ ۚ
سینه‌های شما پس زودی خواهند گفت کیست که باز آورد ما را؟ بگو آن کس که بیافرید شما را نخستین بار

فَسَيُنْغِضُونَ إِلَيْكَ رُءُوسَهُمْ وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هُوَ ۖ قُلْ عَسَىٰٓ أَن
پس به زودی خواهند جنبانید به سوی تو سرهای خود را و گویند کی خواهد بود آن [برانگیختن]؟ بگو شاید که

يَكُونَ قَرِيبًا ﴿٥١﴾ يَوْمَ يَدْعُوكُمْ فَتَسْتَجِيبُونَ بِحَمْدِهِۦ
باشد نزدیک ﴿۵۱﴾ روزی که [الله] بخواند شما را پس پاسخ می دهید با سپاس و ستایش او

وَتَظُنُّونَ إِن لَّبِثْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا ﴿٥٢﴾ وَقُل لِّعِبَادِى يَقُولُوا۟ ٱلَّتِى هِىَ
و گمان می کنید که درنگ نکرده بودید مگر اندکی ﴿۵۲﴾ و بگو به بندگانم که بگویند سخنی که آن

أَحْسَنُ ۚ إِنَّ ٱلشَّيْطَـٰنَ يَنزَغُ بَيْنَهُمْ ۚ إِنَّ ٱلشَّيْطَـٰنَ كَانَ لِلْإِنسَـٰنِ
بهتر است همانا شیطان تباهی می افکند میان آنان همانا شیطان هست برای آدمی

عَدُوًّا مُّبِينًا ﴿٥٣﴾ رَّبُّكُمْ أَعْلَمُ بِكُمْ ۖ إِن يَشَأْ يَرْحَمْكُمْ أَوْ إِن يَشَأْ
دشمنی آشکارا ﴿۵۳﴾ پروردگار شما داناتر است به حال شما اگر خواهد رحم کند بر شما یا اگر خواهد

يُعَذِّبْكُمْ ۚ وَمَآ أَرْسَلْنَـٰكَ عَلَيْهِمْ وَكِيلًا ﴿٥٤﴾ وَرَبُّكَ أَعْلَمُ
عذاب کند شما را و نفرستادیم تو را بر آنان نگاهبان ﴿۵۴﴾ و پروردگار تو داناتر است

بِمَن فِى ٱلسَّمَـٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ ۗ وَلَقَدْ فَضَّلْنَا بَعْضَ ٱلنَّبِيِّـۧنَ عَلَىٰ بَعْضٍ ۖ
به هر که در آسمان ها و زمین است و هر آینه برتری دادیم برخی پیامبران را بر برخی دیگر

وَءَاتَيْنَا دَاوُۥدَ زَبُورًا ﴿٥٥﴾ قُلِ ٱدْعُوا۟ ٱلَّذِينَ زَعَمْتُم مِّن دُونِهِۦ فَلَا
و دادیم به داوود زبور را ﴿۵۵﴾ بگو بخوانید آنان را که گمان دارید [کارسازند] به جز الله پس

يَمْلِكُونَ كَشْفَ ٱلضُّرِّ عَنكُمْ وَلَا تَحْوِيلًا ﴿٥٦﴾ أُو۟لَـٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ
نتوانند برداشتن گزندی را از شما و نه تغییر دادن آن را ﴿۵۶﴾ آنان [همان] کسانی که

يَدْعُونَ يَبْتَغُونَ إِلَىٰ رَبِّهِمُ ٱلْوَسِيلَةَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ وَيَرْجُونَ
می خوانند [شان] خود می جویند به سوی پروردگار خویش دستاویز را هر کدام از ایشان که [به خدا] نزدیک تر باشد و امید دارند

رَحْمَتَهُۥ وَيَخَافُونَ عَذَابَهُۥٓ ۚ إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ كَانَ مَحْذُورًا ﴿٥٧﴾
به رحمتش و می ترسند از عذابش همانا عذاب پروردگار تو در خور بیم و پروا است ﴿۵۷﴾

وَإِن مِّن قَرْيَةٍ إِلَّا نَحْنُ مُهْلِكُوهَا قَبْلَ يَوْمِ ٱلْقِيَـٰمَةِ
و نیست هیچ آبادی ای [طغیانگر] مگر آنکه ما هلاک کنندهٔ ایم آن را پیش از روز رستاخیز

أَوْ مُعَذِّبُوهَا عَذَابًا شَدِيدًا ۚ كَانَ ذَٰلِكَ فِى ٱلْكِتَـٰبِ مَسْطُورًا ﴿٥٨﴾
یا عذاب کنندهٔ آنیم به عذابی سخت هست این [حکم] در کتاب [لوح محفوظ] نوشته شده ﴿۵۸﴾

وَمَا مَنَعَنَآ أَن نُّرۡسِلَ بِٱلۡأٓيَٰتِ إِلَّآ أَن كَذَّبَ بِهَا ٱلۡأَوَّلُونَۚ
و بازنداشت ما را از آنکه بفرستیم نشانه ها را [معجزات دلخواهشان] مگر آنکه دروغ انگاشتند آنها را پیشینیان

وَءَاتَيۡنَا ثَمُودَ ٱلنَّاقَةَ مُبۡصِرَةٗ فَظَلَمُواْ بِهَاۚ وَمَا نُرۡسِلُ بِٱلۡأٓيَٰتِ
و دادیم به ثمود آن شتر ماده را روشنگرانه [تا حجّتی روشن باشد] پس ستم کردند به آن و نمی فرستیم نشانه ها را

إِلَّا تَخۡوِيفٗا ﴿٥٩﴾ وَإِذۡ قُلۡنَا لَكَ إِنَّ رَبَّكَ أَحَاطَ بِٱلنَّاسِۚ وَمَا
مگر برای بیم دادن (۵۹) و [یاد کن] آنگاه که گفتیم به تو که همانا پروردگارت فرا خواهد گرفت مردمان را و

جَعَلۡنَا ٱلرُّءۡيَا ٱلَّتِيٓ أَرَيۡنَٰكَ إِلَّا فِتۡنَةٗ لِّلنَّاسِ وَٱلشَّجَرَةَ ٱلۡمَلۡعُونَةَ
نگردانیم آن خوابی را که به تو نمودیم مگر آزمایشی برای مردمان و درخت لعنت شده

فِي ٱلۡقُرۡءَانِۚ وَنُخَوِّفُهُمۡ فَمَا يَزِيدُهُمۡ إِلَّا طُغۡيَٰنٗا كَبِيرٗا ﴿٦٠﴾
در قرآن و می ترسانیم آنان را پس نمی افزاید آنان را مگر سرکشی بزرگ (۶۰)

وَإِذۡ قُلۡنَا لِلۡمَلَٰٓئِكَةِ ٱسۡجُدُواْ لِأٓدَمَ فَسَجَدُوٓاْ إِلَّآ إِبۡلِيسَ
و [یاد کن] آنگاه که گفتیم به فرشتگان سجده کنید برای آدم پس سجده کردند مگر ابلیس

قَالَ ءَأَسۡجُدُ لِمَنۡ خَلَقۡتَ طِينٗا ﴿٦١﴾ قَالَ أَرَءَيۡتَكَ هَٰذَا ٱلَّذِي
گفت آیا سجده کنم برای کسی که آفریدی از گل؟ (۶۱) گفت چه دیده‌ای؟ [=به من بگو] این را که

كَرَّمۡتَ عَلَيَّ لَئِنۡ أَخَّرۡتَنِ إِلَىٰ يَوۡمِ ٱلۡقِيَٰمَةِ لَأَحۡتَنِكَنَّ
برتری دادی بر من اگر مهلت دهی مرا تا روز رستاخیز البته از بیخ برکنم

ذُرِّيَّتَهُۥٓ إِلَّا قَلِيلٗا ﴿٦٢﴾ قَالَ ٱذۡهَبۡ فَمَن تَبِعَكَ مِنۡهُمۡ فَإِنَّ
اولاد او را مگر اندکی (۶۲) [خدا]فرمود برو پس هر کسی که از تو پیروی کند از ایشان پس بی گمان

جَهَنَّمَ جَزَآؤُكُمۡ جَزَآءٗ مَّوۡفُورٗا ﴿٦٣﴾ وَٱسۡتَفۡزِزۡ مَنِ ٱسۡتَطَعۡتَ
دوزخ سزای شماست سزای تمام [و بسنده] (۶۳) و بر انگیز هرکه را توانی

مِنۡهُم بِصَوۡتِكَ وَأَجۡلِبۡ عَلَيۡهِم بِخَيۡلِكَ وَرَجِلِكَ وَشَارِكۡهُمۡ
از ایشان به آواز خود و بانگ بزن بر ایشان با سواران خود و پیادگان خود و شریک شو با ایشان

فِي ٱلۡأَمۡوَٰلِ وَٱلۡأَوۡلَٰدِ وَعِدۡهُمۡۚ وَمَا يَعِدُهُمُ ٱلشَّيۡطَٰنُ إِلَّا
در اموال و فرزندان و وعده ده ایشان را و وعده نمی دهد به آنان شیطان مگر

غُرُورًا ﴿٦٤﴾ إِنَّ عِبَادِي لَيۡسَ لَكَ عَلَيۡهِمۡ سُلۡطَٰنٞۚ وَكَفَىٰ
به فریب (۶۴) همانا بندگان من نیست برای تو بر ایشان هیچ تسلطی و کافی است

بِرَبِّكَ وَكِيلٗا ﴿٦٥﴾ رَّبُّكُمُ ٱلَّذِي يُزۡجِي لَكُمُ ٱلۡفُلۡكَ
که پروردگار تو کارساز است (۶۵) پروردگار شما کسی که روانه می کند برای شما کشتی ها را

فِي ٱلۡبَحۡرِ لِتَبۡتَغُواْ مِن فَضۡلِهِۦٓۚ إِنَّهُۥ كَانَ بِكُمۡ رَحِيمٗا ﴿٦٦﴾
در دریا تا بجویید از بخشش او همانا او هست به شما مهربان (۶۶)

وَإِذَا مَسَّكُمُ ٱلضُّرُّ فِي ٱلْبَحْرِ ضَلَّ مَن تَدْعُونَ إِلَّآ إِيَّاهُ ۖ فَلَمَّا نَجَّىٰكُمْ
و چون برسد به شما سختی در دریا ناپدید می شوند آنانی که می خوانید مگر او[خدا] پس چون رهانید شما را

إِلَى ٱلْبَرِّ أَعْرَضْتُمْ ۚ وَكَانَ ٱلْإِنسَٰنُ كَفُورًا ﴿٦٧﴾ أَفَأَمِنتُمْ أَن يَخْسِفَ
به سوی خشکی روی برمی گردانید و هست آدمی بسیار ناسپاس ﴿٦٧﴾ آیا ایمن شده اید از آنکه فروبرد

بِكُمْ جَانِبَ ٱلْبَرِّ أَوْ يُرْسِلَ عَلَيْكُمْ حَاصِبًا ثُمَّ لَا تَجِدُوا۟ لَكُمْ
شما را در جانبی از خشکی یا بفرستد بر شما شن بادی را آنگاه نیابید برای خود

وَكِيلًا ﴿٦٨﴾ أَمْ أَمِنتُمْ أَن يُعِيدَكُمْ فِيهِ تَارَةً أُخْرَىٰ فَيُرْسِلَ
هیچ نگهبانی را ﴿٦٨﴾ یا اینکه ایمن شده اید از آنکه بازگرداند شما را درآن[دریا] بار دیگر؟ پس بفرستد

عَلَيْكُمْ قَاصِفًا مِّنَ ٱلرِّيحِ فَيُغْرِقَكُم بِمَا كَفَرْتُمْ ۙ ثُمَّ لَا تَجِدُوا۟
بر شما باد ویرانگری را پس غرق گرداند شما را به سبب آنکه ناسپاسی کردید سپس نیابید

لَكُمْ عَلَيْنَا بِهِۦ تَبِيعًا ﴿٦٩﴾ ۞ وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِىٓ ءَادَمَ وَحَمَلْنَٰهُمْ
برای خویش بر ما به سبب آن هیچ بازخواستی؟ ﴿٦٩﴾ و هر آینه گرامی داشتیم فرزندان آدم را و برداشتیم آنان را

سه چهارم حزب ۲۹

فِى ٱلْبَرِّ وَٱلْبَحْرِ وَرَزَقْنَٰهُم مِّنَ ٱلطَّيِّبَٰتِ وَفَضَّلْنَٰهُمْ عَلَىٰ
در خشکی و دریا و روزی دادیم به ایشان از چیزهای پاکیزه و برتری دادیم ایشان را بر

كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا ﴿٧٠﴾ يَوْمَ نَدْعُوا۟ كُلَّ أُنَاسٍۭ
بسیاری از آنچه آفریده ایم برتری دادنی ﴿٧٠﴾ روزی که بخوانیم هر گروهی را

بِإِمَٰمِهِمْ ۖ فَمَنْ أُوتِىَ كِتَٰبَهُۥ بِيَمِينِهِۦ فَأُو۟لَٰٓئِكَ يَقْرَءُونَ
با پیشوا ایشان پس هرکه داده شود نامهٔ اعمال او به دست راستش پس آنان می خوانند

كِتَٰبَهُمْ وَلَا يُظْلَمُونَ فَتِيلًا ﴿٧١﴾ وَمَن كَانَ فِى هَٰذِهِۦٓ
نامهٔ خود را و ستم نبینند به اندازهٔ رشتهٔ باریک میان هسته خرمایی ﴿٧١﴾ و هرکه باشد در این دنیا

أَعْمَىٰ فَهُوَ فِى ٱلْءَاخِرَةِ أَعْمَىٰ وَأَضَلُّ سَبِيلًا ﴿٧٢﴾ وَإِن كَادُوا۟
کور[دل] پس وی در آخرت[نیز] کور[دل] است و گمراه تر ﴿٧٢﴾ و هر آینه نزدیک بود که

لَيَفْتِنُونَكَ عَنِ ٱلَّذِىٓ أَوْحَيْنَآ إِلَيْكَ لِتَفْتَرِىَ عَلَيْنَا غَيْرَهُۥ ۖ
به فریب بازدارند تو را از آنچه وحی فرستادیم به سوی تو تا دروغ بربندی بر ما جز آن را[که وحی کردیم]

وَإِذًا لَّٱتَّخَذُوكَ خَلِيلًا ﴿٧٣﴾ وَلَوْلَآ أَن ثَبَّتْنَٰكَ لَقَدْ كِدتَّ
و آنگاه تو را گیرند به دوستی ﴿٧٣﴾ و اگرنه آن بودی که ثابت داشتیم تو را هر آینه نزدیک بودی

تَرْكَنُ إِلَيْهِمْ شَيْـًٔا قَلِيلًا ﴿٧٤﴾ إِذًا لَّأَذَقْنَٰكَ ضِعْفَ
که میل کنی به سوی ایشان میلی اندک ﴿٧٤﴾ آنگاه هر آینه می چشانیدیم تو را دو چندان[عذاب]

ٱلْحَيَوٰةِ وَضِعْفَ ٱلْمَمَاتِ ثُمَّ لَا تَجِدُ لَكَ عَلَيْنَا نَصِيرًا ﴿٧٥﴾
زندگانی و دو چندان [عذاب] مرگ را آنگاه نمی یافتی برای خود بر[دفع عذاب] ما یاوری را ﴿٧٥﴾

وَإِن كَادُواْ لَيَسۡتَفِزُّونَكَ مِنَ ٱلۡأَرۡضِ لِيُخۡرِجُوكَ مِنۡهَاۖ
و هر آینه نزدیک بود که بلغزانند تو را از زمین تا تو را بیرون کنند از آنجا

وَإِذٗا لَّا يَلۡبَثُونَ خِلَٰفَكَ إِلَّا قَلِيلٗا ٧٦ سُنَّةَ مَن
و آنگاه درنگ نکنند پس از تو مگر اندکی ۷۶ به شیوهٔ آنان که

قَدۡ أَرۡسَلۡنَا قَبۡلَكَ مِن رُّسُلِنَاۖ وَلَا تَجِدُ لِسُنَّتِنَا تَحۡوِيلًا ٧٧ أَقِمِ
فرستاده ایم [ایشان را] پیش از تو از پیامبران ما و نخواهی یافت در سنّت ما هیچ دگرگونی را ۷۷ برپا دار

ٱلصَّلَوٰةَ لِدُلُوكِ ٱلشَّمۡسِ إِلَىٰ غَسَقِ ٱلَّيۡلِ وَقُرۡءَانَ ٱلۡفَجۡرِۖ إِنَّ
نماز را از وقت زوال آفتاب تا تاریکی شب و خواندن نماز صبح همانا

قُرۡءَانَ ٱلۡفَجۡرِ كَانَ مَشۡهُودٗا ٧٨ وَمِنَ ٱلَّيۡلِ فَتَهَجَّدۡ بِهِۦ
خواندن نماز صبح باشد مورد مشاهدهٔ [فرشتگان] ۷۸ و پاره‌ای از شب پس بگذران به بیداری در آن

نَافِلَةٗ لَّكَ عَسَىٰٓ أَن يَبۡعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامٗا مَّحۡمُودٗا ٧٩ وَقُل رَّبِّ
[نماز شب] که افزودنی است برای تو [از نمازهای واجب] باشد که برانگیزد تو را پروردگارت به جایگاهی پسندیده ۷۹ و بگو [ای] پروردگارم

أَدۡخِلۡنِي مُدۡخَلَ صِدۡقٖ وَأَخۡرِجۡنِي مُخۡرَجَ صِدۡقٖ وَٱجۡعَل لِّي مِن
درآور مرا [در هر کاری] درآوردنی درست و بیرون آر مرا بیرون آوردنی درست و قرار ده برای من از

لَّدُنكَ سُلۡطَٰنٗا نَّصِيرٗا ٨٠ وَقُلۡ جَآءَ ٱلۡحَقُّ وَزَهَقَ ٱلۡبَٰطِلُۚ
نزد خودت حجّتی یاری دهنده را ۸۰ و بگو آمد حق و نابود شد باطل

إِنَّ ٱلۡبَٰطِلَ كَانَ زَهُوقٗا ٨١ وَنُنَزِّلُ مِنَ ٱلۡقُرۡءَانِ مَا هُوَ شِفَآءٞ
همانا باطل هست نابود شدنی ۸۱ و فرومی آوریم از قرآن آنچه را که آن شفا

وَرَحۡمَةٞ لِّلۡمُؤۡمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ ٱلظَّٰلِمِينَ إِلَّا خَسَارٗا ٨٢ وَإِذَآ
و رحمت است برای مؤمنان و نمی افزاید بر ستمکاران مگر زیان را ۸۲ و چون

أَنۡعَمۡنَا عَلَى ٱلۡإِنسَٰنِ أَعۡرَضَ وَنَـَٔا بِجَانِبِهِۦۖ وَإِذَا مَسَّهُ ٱلشَّرُّ كَانَ يَـُٔوسٗا
نعمت بخشیم بر انسان روی بگرداند و دور کند پهلویش [را=پهلو بگرداند] و چون رسد به او بدی باشد ناامید

٨٣ قُلۡ كُلّٞ يَعۡمَلُ عَلَىٰ شَاكِلَتِهِۦ فَرَبُّكُمۡ أَعۡلَمُ بِمَنۡ هُوَ أَهۡدَىٰ
۸۳ بگو هر کسی کار می کند بر ساختار خود پس پروردگار شما داناتر است به کسی که وی راه

سَبِيلٗا ٨٤ وَيَسۡـَٔلُونَكَ عَنِ ٱلرُّوحِۖ قُلِ ٱلرُّوحُ مِنۡ أَمۡرِ رَبِّي
یافته تر است ۸۴ و می پرسند از تو درباره روح بگو روح از فرمان پروردگار من است

وَمَآ أُوتِيتُم مِّنَ ٱلۡعِلۡمِ إِلَّا قَلِيلٗا ٨٥ وَلَئِن شِئۡنَا لَنَذۡهَبَنَّ
و داده نشده اید از دانش مگر اندکی ۸۵ و اگر بخواهیم حتماً ببریم

بِٱلَّذِيٓ أَوۡحَيۡنَآ إِلَيۡكَ ثُمَّ لَا تَجِدُ لَكَ بِهِۦ عَلَيۡنَا وَكِيلًا ٨٦
آنچه را وحی فرستاده ایم به سوی تو آنگاه نیابی برای خودت نسبت بدان بر ما کارسازی را ۸۶

إِلَّا رَحۡمَةٗ مِّن رَّبِّكَۚ إِنَّ فَضۡلَهُۥ كَانَ عَلَيۡكَ كَبِيرٗا ﴿٨٧﴾ قُل
مگر رحمتی از پروردگارت همانا بخشش او هست بر تو بزرگ ﴿۸۷﴾ بگو

لَّئِنِ ٱجۡتَمَعَتِ ٱلۡإِنسُ وَٱلۡجِنُّ عَلَىٰٓ أَن يَأۡتُواْ بِمِثۡلِ هَٰذَا ٱلۡقُرۡءَانِ
اگر جمع شوند آدمیان و جن ها بر آنکه بیارند مانند این قرآن را

لَا يَأۡتُونَ بِمِثۡلِهِۦ وَلَوۡ كَانَ بَعۡضُهُمۡ لِبَعۡضٖ ظَهِيرٗا ﴿٨٨﴾ وَلَقَدۡ
هرگز نیاورند مانند آن را و اگرچه باشد برخی از ایشان برای برخی پشتیبان ﴿۸۸﴾ و هر آینه

صَرَّفۡنَا لِلنَّاسِ فِي هَٰذَا ٱلۡقُرۡءَانِ مِن كُلِّ مَثَلٖ فَأَبَىٰٓ أَكۡثَرُ ٱلنَّاسِ
گوناگون بیان کردیم برای مردمان در این قرآن از هر مَثَلی پس نخواستند بیشتر مردمان

إِلَّا كُفُورٗا ﴿٨٩﴾ وَقَالُواْ لَن نُّؤۡمِنَ لَكَ حَتَّىٰ تَفۡجُرَ لَنَا مِنَ
مگر ناسپاسی را ﴿۸۹﴾ و گفتند هرگز باور نداریم به تو تا آنکه جاری کنی برای ما از

ٱلۡأَرۡضِ يَنۢبُوعًا ﴿٩٠﴾ أَوۡ تَكُونَ لَكَ جَنَّةٞ مِّن نَّخِيلٖ وَعِنَبٖ
زمین چشمه ای را ﴿۹۰﴾ یا باشد برای تو باغی از [درختان] خرما و انگور

فَتُفَجِّرَ ٱلۡأَنۡهَٰرَ خِلَٰلَهَا تَفۡجِيرًا ﴿٩١﴾ أَوۡ تُسۡقِطَ ٱلسَّمَآءَ كَمَا
پس روان کنی جوی ها در میان آن روان کردنی ﴿۹۱﴾ یا بیفکنی آسمان را چنانچه

زَعَمۡتَ عَلَيۡنَا كِسَفًا أَوۡ تَأۡتِيَ بِٱللَّهِ وَٱلۡمَلَٰٓئِكَةِ قَبِيلًا ﴿٩٢﴾
گمان می کنی بر ما پاره پاره یا بیاوری الله و فرشتگان را رویاروی [ما] ﴿۹۲﴾

أَوۡ يَكُونَ لَكَ بَيۡتٞ مِّن زُخۡرُفٍ أَوۡ تَرۡقَىٰ فِي ٱلسَّمَآءِ وَلَن نُّؤۡمِنَ
یا باشد برای تو خانه ای از زر یا بالاروی در آسمان و باور نداریم

لِرُقِيِّكَ حَتَّىٰ تُنَزِّلَ عَلَيۡنَا كِتَٰبٗا نَّقۡرَؤُهُۥۗ قُلۡ سُبۡحَانَ رَبِّي هَلۡ
به بالارفتن تو تا آنکه فرود آوری بر ما کتابی که بخوانیم آن را بگو پاک است پروردگار من نیستم

كُنتُ إِلَّا بَشَرٗا رَّسُولٗا ﴿٩٣﴾ وَمَا مَنَعَ ٱلنَّاسَ أَن يُؤۡمِنُوٓاْ إِذۡ جَآءَهُمُ
من مگر آدمی فرستاده شده ﴿۹۳﴾ و بازنداشت مردمان را از آنکه ایمان آورند آنگاه که آمد برای ایشان

ٱلۡهُدَىٰٓ إِلَّآ أَن قَالُوٓاْ أَبَعَثَ ٱللَّهُ بَشَرٗا رَّسُولٗا ﴿٩٤﴾ قُل لَّوۡ كَانَ
هدایت مگر آنکه گفتند آیا برانگیخته است الله آدمی را به پیامبری ﴿۹۴﴾ بگو اگر می بودند

فِي ٱلۡأَرۡضِ مَلَٰٓئِكَةٞ يَمۡشُونَ مُطۡمَئِنِّينَ لَنَزَّلۡنَا عَلَيۡهِم
در زمین فرشتگانی که راه می رفتند به آرامش می فرستادیم بر ایشان

مِّنَ ٱلسَّمَآءِ مَلَكٗا رَّسُولٗا ﴿٩٥﴾ قُلۡ كَفَىٰ بِٱللَّهِ
از آسمان فرشته ای را به پیامبری ﴿۹۵﴾ بگو کافی است الله

شَهِيدَۢا بَيۡنِي وَبَيۡنَكُمۡۚ إِنَّهُۥ كَانَ بِعِبَادِهِۦ خَبِيرَۢا بَصِيرٗا ﴿٩٦﴾
که گواه میان من و میان شما باشد هر آینه او هست به بندگانش آگاه بینا ﴿۹۶﴾

وَمَن يَهۡدِ ٱللَّهُ فَهُوَ ٱلۡمُهۡتَدِۖ وَمَن يُضۡلِلۡ فَلَن تَجِدَ لَهُمۡ أَوۡلِيَآءَ
و هرکه راه نمود[اورا] الله پس اوست راه یاب و هر که گمراه سازد[اورا] پس هرگز نیابی برای آنان دوستانی را

مِن دُونِهِۦۖ وَنَحۡشُرُهُمۡ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ عَلَىٰ وُجُوهِهِمۡ عُمۡيٗا وَبُكۡمٗا
به جز الله و برانگیزیم آنان را روز رستاخیز بر روهای شان نابینایان و گنگان

وَصُمّٗاۖ مَّأۡوَىٰهُمۡ جَهَنَّمُۖ كُلَّمَا خَبَتۡ زِدۡنَٰهُمۡ سَعِيرٗا ﴿٩٧﴾
و کران جایشان دوزخ است هرگاه که فرونشیند [زبانهٔ آتش] بیفزاییم بر آنان آتشی افروخته را ﴿۹۷﴾

ذَٰلِكَ جَزَآؤُهُم بِأَنَّهُمۡ كَفَرُواْ بِـَٔايَٰتِنَا وَقَالُوٓاْ أَءِذَا كُنَّا عِظَٰمٗا
این است سزای شان به سبب آنکه کافر شدند به نشانه های ما و گفتند آیا چون شویم استخوان ها

حزب ۳۰

وَرُفَٰتًا أَءِنَّا لَمَبۡعُوثُونَ خَلۡقٗا جَدِيدًا ﴿٩٨﴾ ۞ أَوَلَمۡ يَرَوۡاْ أَنَّ ٱللَّهَ
واعضای ازهم پاشیده آیا برانگیخته می شویم به آفرینشی نو ﴿۹۸﴾ آیا ندیده اند که آن الله

ٱلَّذِي خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ قَادِرٌ عَلَىٰٓ أَن يَخۡلُقَ مِثۡلَهُمۡ
که آفریده است آسمان ها و زمین را تواناست بر اینکه بیافریند مانند آنها را

وَجَعَلَ لَهُمۡ أَجَلٗا لَّا رَيۡبَ فِيهِ فَأَبَى ٱلظَّٰلِمُونَ إِلَّا كُفُورٗا ﴿٩٩﴾
و قرار داده است برای آنان سرآمدی را که هیچ تردیدی نیست در آن پس نخواستند ستمگران مگر ناسپاسی را ﴿۹۹﴾

قُل لَّوۡ أَنتُمۡ تَمۡلِكُونَ خَزَآئِنَ رَحۡمَةِ رَبِّيٓ إِذٗا لَّأَمۡسَكۡتُمۡ خَشۡيَةَ
بگو اگر شما در اختیار داشتید خزانه های رحمت پروردگار مرا آنگاه هر آینه بخل می ورزیدید از ترس

ٱلۡإِنفَاقِۚ وَكَانَ ٱلۡإِنسَٰنُ قَتُورٗا ﴿١٠٠﴾ وَلَقَدۡ ءَاتَيۡنَا مُوسَىٰ تِسۡعَ
خرج کردن و فقر و هست آدمی همواره تنگ نظر [=بخیل] ﴿۱۰۰﴾ و هر آینه دادیم به موسی نُه

ءَايَٰتِۭ بَيِّنَٰتٖۖ فَسۡـَٔلۡ بَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ إِذۡ جَآءَهُمۡ فَقَالَ لَهُۥ فِرۡعَوۡنُ
نشانهٔ روشن را پس بپرس از بنی اسرائیل آنگاه که [موسی]نزدشان آمد پس گفت به او فرعون

إِنِّي لَأَظُنُّكَ يَٰمُوسَىٰ مَسۡحُورٗا ﴿١٠١﴾ قَالَ لَقَدۡ عَلِمۡتَ مَآ أَنزَلَ
همانا من می پندارم تو را ای موسی جادو زده ﴿۱۰۱﴾ گفت هر آینه تو می دانی که نفرستاده است

هَٰٓؤُلَآءِ إِلَّا رَبُّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ بَصَآئِرَ وَإِنِّي لَأَظُنُّكَ
اینها را مگر پروردگار آسمان ها و زمین درحالی که [صاحبان] بینش اند و هر آینه من می پندارم تو را

يَٰفِرۡعَوۡنُ مَثۡبُورٗا ﴿١٠٢﴾ فَأَرَادَ أَن يَسۡتَفِزَّهُم مِّنَ ٱلۡأَرۡضِ
ای فرعون هلاک شده ﴿۱۰۲﴾ پس خواست که برانگیزد [بیرون کند] آنان را از آن زمین

فَأَغۡرَقۡنَٰهُ وَمَن مَّعَهُۥ جَمِيعٗا ﴿١٠٣﴾ وَقُلۡنَا مِنۢ بَعۡدِهِۦ لِبَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ
پس غرق ساختیم او را و آنان را که همراه او بودند همگی ﴿۱۰۳﴾ و گفتیم پس از وی به بنی اسرائیل

ٱسۡكُنُواْ ٱلۡأَرۡضَ فَإِذَا جَآءَ وَعۡدُ ٱلۡأٓخِرَةِ جِئۡنَا بِكُمۡ لَفِيفٗا ﴿١٠٤﴾
ساکن شوید در این زمین پس چون بیاید وعدهٔ آخرت بیاوریم شما را در هم آمیخته [باهم] ﴿۱۰۴﴾

وَبِالْحَقِّ أَنزَلْنَاهُ وَبِالْحَقِّ نَزَلَ ۗ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا مُبَشِّرًا وَنَذِيرًا ﴿١٠٥﴾
و به حق فروفرستادیم آن[قرآن] را و به حق فروآمده است و نفرستادیم تو را مگر مژده دهنده و بیم دهنده ﴿١٠٥﴾

وَقُرْآنًا فَرَقْنَاهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلَىٰ مُكْثٍ وَنَزَّلْنَاهُ تَنزِيلًا ﴿١٠٦﴾
و [آن را] قرآنی بخش بخش فرستادیم تا بخوانی آن را بر مردمان به درنگ و فروفرستادیم آن را فرستادنی ﴿١٠٦﴾

قُلْ آمِنُوا بِهِ أَوْ لَا تُؤْمِنُوا ۚ إِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مِن قَبْلِهِ إِذَا يُتْلَىٰ
بگو ایمان آورید به آن یا ایمان نیاورید همانا آنان که داده شد به ایشان دانش پیش از آن چون خوانده شود

عَلَيْهِمْ يَخِرُّونَ لِلْأَذْقَانِ سُجَّدًا ﴿١٠٧﴾ وَيَقُولُونَ سُبْحَانَ رَبِّنَا إِن كَانَ
بر ایشان می افتند بر چانه ها سجده کنان ﴿١٠٧﴾ و می گویند پاکا پروردگار ما هر آینه هست

وَعْدُ رَبِّنَا لَمَفْعُولًا ﴿١٠٨﴾ وَيَخِرُّونَ لِلْأَذْقَانِ يَبْكُونَ وَيَزِيدُهُمْ
وعدهٔ پروردگار ما انجام شدنی ﴿١٠٨﴾ و می افتند بر چانه ها درحالی که گریه می کنند و می افزاید ایشان را

خُشُوعًا ۩ ﴿١٠٩﴾ قُلِ ادْعُوا اللَّهَ أَوِ ادْعُوا الرَّحْمَٰنَ ۖ أَيًّا مَّا تَدْعُوا فَلَهُ
فروتنی ﴿١٠٩﴾ بگو بخوانید «الله» را یا بخوانید «رحمان» را هر کدام را که بخوانید پس برای اوست

سجده مستحب

الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ ۚ وَلَا تَجْهَرْ بِصَلَاتِكَ وَلَا تُخَافِتْ بِهَا وَابْتَغِ
نام های نیکوتر و به بلند مخوان نماز خود را و آهسته مخوان آن را و بجوی

بَيْنَ ذَٰلِكَ سَبِيلًا ﴿١١٠﴾ وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُن
میان آن راهی را ﴿١١٠﴾ و بگو ستایش از آنِ الله است آن ذاتی که نگرفته است فرزندی را و نیست

لَّهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُن لَّهُ وَلِيٌّ مِّنَ الذُّلِّ ۖ وَكَبِّرْهُ تَكْبِيرًا ﴿١١١﴾
او را هیچ شریکی در فرمانروایی و نیست برای او یاوری از سر زبونی و بزرگ دار او را بزرگ داشتنی ﴿١١١﴾

سُورَةُ الْكَهْفِ

ترتیبها ۱۸ آیاتها ۱۱۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ
به نام الله مهر گستر مهربان

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنزَلَ عَلَىٰ عَبْدِهِ الْكِتَابَ وَلَمْ يَجْعَل لَّهُ عِوَجًا ۜ ﴿١﴾
ستایش از آنِ الله است که فروفرستاد بر بندهٔ خود این کتاب را و قرار نداد در آن هیچ کجی را ﴿١﴾

سکته لطیفه علی الف عوجا

قَيِّمًا لِّيُنذِرَ بَأْسًا شَدِيدًا مِّن لَّدُنْهُ وَيُبَشِّرَ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ
[قرار داد آن را] راست و استوار تا بیم دهد از عذابی سخت از نزد او و مژده دهد به مؤمنان آنان که

يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا حَسَنًا ﴿٢﴾ مَّاكِثِينَ
می کنند کارهای شایسته که برای ایشان است پاداشی نیکو ﴿٢﴾ پایدارند

فِيهِ أَبَدًا ﴿٣﴾ وَيُنذِرَ الَّذِينَ قَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا ﴿٤﴾
در آن همیشه ﴿٣﴾ و تا بیم دهد آنان را که گفتند گرفته است الله فرزندی را ﴿٤﴾

مَّا لَهُم بِهِۦ مِنْ عِلْمٍ وَلَا لِآبَآئِهِمْ كَبُرَتْ كَلِمَةً تَخْرُجُ مِنْ
نیست برایشان به آن هیچ دانشی و نه برای پدرانشان بزرگ است سخنی که بیرون می‌آید از

أَفْوَٰهِهِمْ إِن يَقُولُونَ إِلَّا كَذِبًا ﴿۵﴾ فَلَعَلَّكَ بَٰخِعٌ نَّفْسَكَ
دهان‌های ایشان نمی‌گویند مگر دروغی را ﴿۵﴾ پس مبادا هلاک سازی خود را

عَلَىٰٓ ءَاثَٰرِهِمْ إِن لَّمْ يُؤْمِنُوا۟ بِهَٰذَا ٱلْحَدِيثِ أَسَفًا ﴿۶﴾ إِنَّا
بر پی [رویگردانی] ایشان اگر ایمان نیاورند به این سخن از اندوه ﴿۶﴾ همانا ما

جَعَلْنَا مَا عَلَى ٱلْأَرْضِ زِينَةً لَّهَا لِنَبْلُوَهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا
قرار داده ایم آنچه را که بر زمین است آرایشی برای آن تا بیازماییم ایشان را که کدام کس از ایشان نیکوکردارتر است

﴿۷﴾ وَإِنَّا لَجَٰعِلُونَ مَا عَلَيْهَا صَعِيدًا جُرُزًا ﴿۸﴾ أَمْ حَسِبْتَ
﴿۷﴾ و همانا ما گمارنده ایم آنچه را که بر روی آن است زمینی خشک و بی گیاه ﴿۸﴾ آیا پنداشتی که

أَنَّ أَصْحَٰبَ ٱلْكَهْفِ وَٱلرَّقِيمِ كَانُوا۟ مِنْ ءَايَٰتِنَا عَجَبًا ﴿۹﴾
به راستی اصحاب کهف و رقیم بودند از نشانه های ما بس شگفت؟ ﴿۹﴾

إِذْ أَوَى ٱلْفِتْيَةُ إِلَى ٱلْكَهْفِ فَقَالُوا۟ رَبَّنَآ ءَاتِنَا مِن لَّدُنكَ رَحْمَةً
[یاد کن] آنگاه پناه بردند جوانان به آن غار پس گفتند [ای] پروردگارما بده به ما از نزد خودت رحمتی را

وَهَيِّئْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا رَشَدًا ﴿۱۰﴾ فَضَرَبْنَا عَلَىٰٓ ءَاذَانِهِمْ فِى
و آماده ساز برای ما در کارمان رهیافتی را ﴿۱۰﴾ پس [پرده] زدیم بر گوش‌هایشان در

ٱلْكَهْفِ سِنِينَ عَدَدًا ﴿۱۱﴾ ثُمَّ بَعَثْنَٰهُمْ لِنَعْلَمَ أَىُّ ٱلْحِزْبَيْنِ
آن غار سال‌های شمرده شده ﴿۱۱﴾ سپس برانگیختیم ایشان را تا معلوم کنیم کدام یک از دو گروه

أَحْصَىٰ لِمَا لَبِثُوٓا۟ أَمَدًا ﴿۱۲﴾ نَّحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ نَبَأَهُم بِٱلْحَقِّ
بهتر شمارش کننده است مقدار مدتی را که درنگ کرده اند ﴿۱۲﴾ ما حکایت می کنیم بر تو خبرشان را به حق

إِنَّهُمْ فِتْيَةٌ ءَامَنُوا۟ بِرَبِّهِمْ وَزِدْنَٰهُمْ هُدًى ﴿۱۳﴾ وَرَبَطْنَا
هر آینه ایشان جوانانی بودند که ایمان آوردند به پروردگار خود و بیفزودیم بر ایشان هدایت را ﴿۱۳﴾ و استوار ساختیم

عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ إِذْ قَامُوا۟ فَقَالُوا۟ رَبُّنَا رَبُّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ
دل هایشان را آنگاه که ایستادند پس گفتند پروردگار ما پروردگار آسمان ها و زمین است

لَن نَّدْعُوَا۟ مِن دُونِهِۦٓ إِلَٰهًا لَّقَدْ قُلْنَآ إِذًا شَطَطًا ﴿۱۴﴾ هَٰٓؤُلَآءِ
هرگز فرانمی خوانیم به جزوی الهی را [که اگر بخوانیم] هر آینه گفته باشیم آنگاه سخنی ناروا را [دروغ و دور از عقل را] ﴿۱۴﴾ اینها

قَوْمُنَا ٱتَّخَذُوا۟ مِن دُونِهِۦٓ ءَالِهَةً لَّوْلَا يَأْتُونَ عَلَيْهِم
قوم ما هستند که گرفته اند به جز الله اله هایی را چرا نمی آورند بر [اثبات] آنان

بِسُلْطَٰنٍۭ بَيِّنٍ فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ ٱفْتَرَىٰ عَلَى ٱللَّهِ كَذِبًا ﴿۱۵﴾
دلیل روشنی را؟ پس کیست ستمکارتر از کسی که بربست بر الله دروغی را ﴿۱۵﴾

وَإِذِ ٱعۡتَزَلۡتُمُوهُمۡ وَمَا يَعۡبُدُونَ إِلَّا ٱللَّهَ فَأۡوُۥٓاْ إِلَى ٱلۡكَهۡفِ

و چون کناره جستید از آنان و از آنچه می پرستند به جز الله پس پناه برید به این غار

يَنشُرۡ لَكُمۡ رَبُّكُم مِّن رَّحۡمَتِهِۦ وَيُهَيِّئۡ لَكُم مِّنۡ أَمۡرِكُم مِّرۡفَقٗا

تا بگستراند برای شما پروردگارتان از رحمت خود و مهیا سازد برای شما در کارتان آسایشی را

١٦ ۞ وَتَرَى ٱلشَّمۡسَ إِذَا طَلَعَت تَّزَٰوَرُ عَن كَهۡفِهِمۡ ذَاتَ

۱۶ و می بینی آفتاب را چون برآید مایل می‌شود از غار ایشان به جانب

ٱلۡيَمِينِ وَإِذَا غَرَبَت تَّقۡرِضُهُمۡ ذَاتَ ٱلشِّمَالِ وَهُمۡ فِي فَجۡوَةٖ

راست و چون غروب کند در گذرد از ایشان به جانب چپ و ایشان در فراخنایی

مِّنۡهُۚ ذَٰلِكَ مِنۡ ءَايَٰتِ ٱللَّهِۗ مَن يَهۡدِ ٱللَّهُ فَهُوَ ٱلۡمُهۡتَدِۖ وَمَن

از آن [غارند] این از نشانه های الله است هرکه را راه نماید الله پس او راه یافته است و هرکه را

يُضۡلِلۡ فَلَن تَجِدَ لَهُۥ وَلِيّٗا مُّرۡشِدٗا ١٧ وَتَحۡسَبُهُمۡ أَيۡقَاظٗا

گمراه کند پس هرگز نیابی برای او هیچ دوست راه نمایی را ۱۷ و پنداری ایشان را بیدار

وَهُمۡ رُقُودٞۚ وَنُقَلِّبُهُمۡ ذَاتَ ٱلۡيَمِينِ وَذَاتَ ٱلشِّمَالِۖ وَكَلۡبُهُم

درحالی که ایشان خفته اند و می گردانیم ایشان را به جانب راست و جانب چپ و سگ ایشان

بَٰسِطٞ ذِرَاعَيۡهِ بِٱلۡوَصِيدِۚ لَوِ ٱطَّلَعۡتَ عَلَيۡهِمۡ لَوَلَّيۡتَ مِنۡهُمۡ

گسترانده است دو بازوی خود را به آستانهٔ در اگر اطلاع یابی بر ایشان البته روبگردانی از ایشان

فِرَارٗا وَلَمُلِئۡتَ مِنۡهُمۡ رُعۡبٗا ١٨ وَكَذَٰلِكَ بَعَثۡنَٰهُمۡ

به‌طریق گریختن و هر آینه آکنده شوی از[دیدن] آنان از ترس ۱۸ و اینچنین برانگیختیم ایشان را

لِيَتَسَآءَلُواْ بَيۡنَهُمۡۚ قَالَ قَآئِلٞ مِّنۡهُمۡ كَمۡ لَبِثۡتُمۡۖ قَالُواْ لَبِثۡنَا

تا پرسش کنند در میان خود گفت گوینده ای از ایشان چقدر درنگ کرده‌اید؟ گفتند درنگ کرده‌ایم

يَوۡمًا أَوۡ بَعۡضَ يَوۡمٖۚ قَالُواْ رَبُّكُمۡ أَعۡلَمُ بِمَا لَبِثۡتُمۡ فَٱبۡعَثُوٓاْ

یک روز یا پاره ای از روز را گفتند پروردگار شما داناتر است به مقدار درنگ کردن شما پس بفرستید

أَحَدَكُم بِوَرِقِكُمۡ هَٰذِهِۦٓ إِلَى ٱلۡمَدِينَةِ فَلۡيَنظُرۡ أَيُّهَآ أَزۡكَىٰ

یکی از خودتان را با این دراهمتان به سوی شهر پس باید که بنگرد کدامشان [از دکان های شهر] پاکیزه تر است

طَعَامٗا فَلۡيَأۡتِكُم بِرِزۡقٖ مِّنۡهُ وَلۡيَتَلَطَّفۡ وَلَا يُشۡعِرَنَّ

[از جهت] طعام پس بیاورد برای شما روزی ای را از آن و باید مدارا و نرمی کند و خبردار نکند

بِكُمۡ أَحَدًا ١٩ إِنَّهُمۡ إِن يَظۡهَرُواْ عَلَيۡكُمۡ يَرۡجُمُوكُمۡ

به[حال] شما هیچ کس را ۱۹ همانا ایشان اگر دست یابند بر شما سنگسار کنند شما را

أَوۡ يُعِيدُوكُمۡ فِي مِلَّتِهِمۡ وَلَن تُفۡلِحُوٓاْ إِذًا أَبَدٗا ٢٠

یا برمی‌گردانند شما را در آیین خود و هرگز رستگار نخواهید شد در آن صورت هیچ گاه ۲۰

وَكَذَٰلِكَ أَعۡثَرۡنَا عَلَيۡهِمۡ لِيَعۡلَمُوٓاْ أَنَّ وَعۡدَ ٱللَّهِ حَقّٞ وَأَنَّ
و این گونه [مردم شهر را] آگاه کردیم بر[حال] ایشان تا بدانند که وعدهٔ الله [=زنده کردن مردگان پس از مرگ] حق است و اینکه

ٱلسَّاعَةَ لَا رَيۡبَ فِيهَآ إِذۡ يَتَنَٰزَعُونَ بَيۡنَهُمۡ أَمۡرَهُمۡۖ فَقَالُواْ
قیامت هیچ تردیدی نیست در آن آنگاه که کشمکش می کردند میان خود در کارشان پس [مخالفان] گفتند

ٱبۡنُواْ عَلَيۡهِم بُنۡيَٰنٗاۖ رَّبُّهُمۡ أَعۡلَمُ بِهِمۡۚ قَالَ ٱلَّذِينَ غَلَبُواْ عَلَىٰٓ
بنا کنید بر[غار] ایشان بنایی را پروردگارشان داناتر است به حال ایشان گفتند آنان که چیره بودند بر

أَمۡرِهِمۡ لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيۡهِم مَّسۡجِدٗا (۲۱) سَيَقُولُونَ ثَلَٰثَةٞ
کارشان البته خواهیم ساخت بر [غار] ایشان مسجدی را (۲۱) [جمعی] خواهند گفت [اصحاب کهف] سه تن اند

رَّابِعُهُمۡ كَلۡبُهُمۡ وَيَقُولُونَ خَمۡسَةٞ سَادِسُهُمۡ كَلۡبُهُمۡ رَجۡمَۢا
که چهارم ایشان سگ شان است و[جمعی] می گویند پنج تن اند که ششم ایشان سگ شان است سنگ انداختنی

بِٱلۡغَيۡبِۖ وَيَقُولُونَ سَبۡعَةٞ وَثَامِنُهُمۡ كَلۡبُهُمۡۚ قُل رَّبِّيٓ أَعۡلَمُ
نادیده [از روی گمان] و می گویند که هفت تن اند و هشتم ایشان سگ شان است بگو پروردگار من داناتر است

بِعِدَّتِهِم مَّا يَعۡلَمُهُمۡ إِلَّا قَلِيلٞۗ فَلَا تُمَارِ فِيهِمۡ إِلَّا مِرَآءٗ ظَٰهِرٗا
به شمار ایشان نمی داند [شمار] ایشان را مگر اندکی [از کسان] پس جدال مکن دربارهٔ ایشان مگر جدالی سرسری

وَلَا تَسۡتَفۡتِ فِيهِم مِّنۡهُمۡ أَحَدٗا (۲۲) وَلَا تَقُولَنَّ لِشَاْيۡءٍ
و نظر مخواه دربارهٔ ایشان از هیچ کسی (۲۲) و مگو هرگز دربارهٔ هیچ چیزی

إِنِّي فَاعِلٞ ذَٰلِكَ غَدًا (۲۳) إِلَّآ أَن يَشَآءَ ٱللَّهُۚ وَٱذۡكُر رَّبَّكَ
که من البته کننده ام آن را فردا (۲۳) مگر آنکه [بگویی] اگر خواهد الله و یاد کن پروردگار خود را

إِذَا نَسِيتَ وَقُلۡ عَسَىٰٓ أَن يَهۡدِيَنِ رَبِّي لِأَقۡرَبَ مِنۡ هَٰذَا رَشَدٗا
وقتی که فراموش کنی و بگو امید است که راه نماید مرا پروردگار من به نزدیک تر از این رهیافتی را

(۲۴) وَلَبِثُواْ فِي كَهۡفِهِمۡ ثَلَٰثَ مِاْئَةٖ سِنِينَ وَٱزۡدَادُواْ تِسۡعٗا
(۲۴) و درنگ کردند در غار خود سه صد سال و افزودند [بر آن] نه سال دیگر

(۲۵) قُلِ ٱللَّهُ أَعۡلَمُ بِمَا لَبِثُواْۖ لَهُۥ غَيۡبُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۖ
(۲۵) بگو الله داناتر است به مقداری که درنگ کردند برای اوست [علم] غیب آسمان‌ها و زمین

أَبۡصِرۡ بِهِۦ وَأَسۡمِعۡۚ مَا لَهُم مِّن دُونِهِۦ مِن وَلِيّٖ وَلَا يُشۡرِكُ
چقدر بینا و چقدر شنواست نیست برای ایشان به جز او هیچ کارسازی و شریک نمی گیرد

فِي حُكۡمِهِۦٓ أَحَدٗا (۲۶) وَٱتۡلُ مَآ أُوحِيَ إِلَيۡكَ مِن كِتَابِ
در حکم خود هیچ کس را (۲۶) و بخوان آنچه را وحی فرستاده شد به سوی تو از کتاب

رَبِّكَۖ لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَٰتِهِۦ وَلَن تَجِدَ مِن دُونِهِۦ مُلۡتَحَدٗا (۲۷)
پروردگارت دگرگون کننده‌ای نیست برای سخنان او و هرگز نیابی جز او هیچ پناهگاهی را (۲۷)

وَاصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُم بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ
و شکیبا دار خود را با آنان که می‌خوانند پروردگار خود را به صبح و شام

يُرِيدُونَ وَجْهَهُ ۖ وَلَا تَعْدُ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ تُرِيدُ زِينَةَ الْحَيَاةِ
می‌خواهند رضای او را و درنگذرد دیدگانت از آنها که بخواهی آرایش زندگانی

الدُّنْيَا ۖ وَلَا تُطِعْ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَن ذِكْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ وَكَانَ
دنیا را و اطاعت مکن آن را که غافل ساختیم دل او را از یاد خویش و پیروی کرده است خواهش خود را و هست

أَمْرُهُ فُرُطًا ﴿٢٨﴾ وَقُلِ الْحَقُّ مِن رَّبِّكُمْ ۖ فَمَن شَاءَ فَلْيُؤْمِن وَمَن
کار او ازحدّ گذشته ﴿۲۸﴾ و بگو حق ازجانب پروردگارتان است پس هرکه خواهد ایمان آورد و هرکه

شَاءَ فَلْيَكْفُرْ ۚ إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ نَارًا أَحَاطَ بِهِمْ سُرَادِقُهَا ۚ
خواهد کافر شود همانا مهیا کردیم برای ستمکاران آتشی را که فرا گیرد ایشان را سراپرده های آن

وَإِن يَسْتَغِيثُوا يُغَاثُوا بِمَاءٍ كَالْمُهْلِ يَشْوِي الْوُجُوهَ ۚ بِئْسَ
و اگر فریادرسی خواهند فریادرسی می شوند به آبی مانند مس گداخته که بریان می کند چهره ها را بد

الشَّرَابُ وَسَاءَتْ مُرْتَفَقًا ﴿٢٩﴾ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا
آشامیدنی است و(دوزخ) بد منزلگاهی است ﴿۲۹﴾ همانا آنانی که ایمان آوردند و کردند

الصَّالِحَاتِ إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا ﴿٣٠﴾ أُولَٰئِكَ
کارهای شایسته همانا ما تباه نکنیم پاداش کسی که نیکو کرده است کار را ﴿۳۰﴾ آنان

لَهُمْ جَنَّاتُ عَدْنٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ يُحَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ
برای‌شان باغ های جاویدان است که می رود از زیر[درختان]آنها نهرها زیور داده شوند در آنجا از دستبندهایی

مِن ذَهَبٍ وَيَلْبَسُونَ ثِيَابًا خُضْرًا مِّن سُندُسٍ وَإِسْتَبْرَقٍ مُّتَّكِئِينَ
از طلا و می پوشند جامه هایی سبز را از دیبای نازک و دیبای ستبر تکیه کنان‌اند

فِيهَا عَلَى الْأَرَائِكِ ۚ نِعْمَ الثَّوَابُ وَحَسُنَتْ مُرْتَفَقًا ﴿٣١﴾ ۞ وَاضْرِبْ نصف حزب ۳۰
در آنجا بر تخت ها خوب پاداش و نیکو منزلگاهی است ﴿۳۱﴾ و بزن

لَهُم مَّثَلًا رَّجُلَيْنِ جَعَلْنَا لِأَحَدِهِمَا جَنَّتَيْنِ مِنْ أَعْنَابٍ وَحَفَفْنَاهُمَا
برای ایشان مَثَلی را دو مرد را که قرار دادیم ما برای یکی از آن دو دو باغ را از درختان انگور و گرداگرد آن

بِنَخْلٍ وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمَا زَرْعًا ﴿٣٢﴾ كِلْتَا الْجَنَّتَيْنِ آتَتْ أُكُلَهَا وَلَمْ
دو را گرفته بودیم با درختان خرما و قرار دادیم در میان دو باغ کشتزاری را ﴿۳۲﴾ هر دو باغ می‌دادند خوردنی خود را و هیچ

تَظْلِم مِّنْهُ شَيْئًا ۚ وَفَجَّرْنَا خِلَالَهُمَا نَهَرًا ﴿٣٣﴾ وَكَانَ لَهُ ثَمَرٌ فَقَالَ
نمی‌کاستند از آن [میوه] چیزی را و جاری ساختیم میان هر دو جویی را ﴿۳۳﴾ و بود برای او حاصلی پس گفت

لِصَاحِبِهِ وَهُوَ يُحَاوِرُهُ أَنَا أَكْثَرُ مِنكَ مَالًا وَأَعَزُّ نَفَرًا ﴿٣٤﴾
به رفیق خود در حالی که او گفتگو می کرد با او من بیشترم از تو در مال و نیرومندترم از جهت افراد[=خویشاوندان] ﴿۳۴﴾

وَدَخَلَ جَنَّتَهُۥ وَهُوَ ظَالِمٌ لِّنَفْسِهِۦ قَالَ مَآ أَظُنُّ أَن تَبِيدَ هَٰذِهِۦٓ
و درآمد به باغ خود و حال آنکه او ستمکار بود برای خویش گفت نمی پندارم که نابود شود این باغ

أَبَدًا ﴿٣٥﴾ وَمَآ أَظُنُّ ٱلسَّاعَةَ قَآئِمَةً وَلَئِن رُّدِدتُّ إِلَىٰ رَبِّى
هیچ گاه (۳۵) و گمان ندارم که رستاخیز برپاشدنی باشد و [فرضا] اگر بازگردانیده شوم به سوی پروردگار خود

لَأَجِدَنَّ خَيْرًا مِّنْهَا مُنقَلَبًا ﴿٣٦﴾ قَالَ لَهُۥ صَاحِبُهُۥ وَهُوَ يُحَاوِرُهُۥٓ
هر آینه خواهم یافت بهتر از آن جایگاهی (۳۶) گفت به او همراه او و او گفتگو می کرد با وی

أَكَفَرْتَ بِٱلَّذِى خَلَقَكَ مِن تُرَابٍ ثُمَّ مِن نُّطْفَةٍ ثُمَّ سَوَّىٰكَ رَجُلًا
آیا کافر شدی به الله آن که آفرید تو را از خاکی سپس از نطفه‌ای سپس تو را مردی کامل گردانید

﴿٣٧﴾ لَّٰكِنَّا۠ هُوَ ٱللَّهُ رَبِّى وَلَآ أُشْرِكُ بِرَبِّىٓ أَحَدًا ﴿٣٨﴾ وَلَوْلَآ إِذْ
(۳۷) لیکن [من می گویم که] «الله» پروردگار من است و شریک نمی سازم با پروردگار خود هیچ کس را (۳۸) و چرا آنگاه که

دَخَلْتَ جَنَّتَكَ قُلْتَ مَا شَآءَ ٱللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِٱللَّهِ ۚ إِن تَرَنِ أَنَا۠
درآمدی به باغ خود نگفتی هرچه بخواهد الله نیست نیرویی مگر به [یاری] الله اگر بینی مرا

أَقَلَّ مِنكَ مَالًا وَوَلَدًا ﴿٣٩﴾ فَعَسَىٰ رَبِّىٓ أَن يُؤْتِيَنِ خَيْرًا مِّن
که کمترم از تو در مال و فرزند (۳۹) پس امید است که پروردگار من بدهد به من بهتر از

جَنَّتِكَ وَيُرْسِلَ عَلَيْهَا حُسْبَانًا مِّنَ ٱلسَّمَآءِ فَتُصْبِحَ صَعِيدًا
باغ تو را و بفرستد بر آن آفتی از آسمان پس گردد زمینی صاف

زَلَقًا ﴿٤٠﴾ أَوْ يُصْبِحَ مَآؤُهَا غَوْرًا فَلَن تَسْتَطِيعَ لَهُۥ طَلَبًا ﴿٤١﴾
و بی گیاه (۴۰) یا شود آب آن فرورفته پس هرگز نتوانی برای آن جستن (۴۱)

وَأُحِيطَ بِثَمَرِهِۦ فَأَصْبَحَ يُقَلِّبُ كَفَّيْهِ عَلَىٰ مَآ أَنفَقَ فِيهَا وَهِىَ خَاوِيَةٌ
وفراگرفته شد محصولش پس صبح کرد در حالی که زیرورو می کرد [=به هم می زد] دو دستش را [به حسرت] بر آنچه خرج کرده بود در آن و آن [باغ] فروریخته بود

عَلَىٰ عُرُوشِهَا وَيَقُولُ يَٰلَيْتَنِى لَمْ أُشْرِكْ بِرَبِّىٓ أَحَدًا ﴿٤٢﴾ وَلَمْ تَكُن لَّهُۥ
بر داربست های خود و می گفت ای کاش شریک نکرده بودم با پروردگار خود هیچ کس را (۴۲) و نبود برای او

فِئَةٌ يَنصُرُونَهُۥ مِن دُونِ ٱللَّهِ وَمَا كَانَ مُنتَصِرًا ﴿٤٣﴾ هُنَالِكَ ٱلْوَلَٰيَةُ
هیچ گروهی که او را یاری دهند در برابر الله و نشد او انتقام گیرنده (۴۳) آنجا یاری از آن

لِلَّهِ ٱلْحَقِّ ۚ هُوَ خَيْرٌ ثَوَابًا وَخَيْرٌ عُقْبًا ﴿٤٤﴾ وَٱضْرِبْ لَهُم مَّثَلَ ٱلْحَيَوٰةِ
الله بر حق است وی بهتر است به ثواب دادن و بهتر است به سرانجام (۴۴) و بزن برای آنان مَثَل زندگانی

ٱلدُّنْيَا كَمَآءٍ أَنزَلْنَٰهُ مِنَ ٱلسَّمَآءِ فَٱخْتَلَطَ بِهِۦ نَبَاتُ ٱلْأَرْضِ
دنیا را مانند آبی است که فروفرستادیم آن را از آسمان پس بیامیخت به سبب وی رستنی زمین

فَأَصْبَحَ هَشِيمًا تَذْرُوهُ ٱلرِّيَٰحُ ۗ وَكَانَ ٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَىْءٍ مُّقْتَدِرًا ﴿٤٥﴾
پس گردید [آخر کار] درهم شکسته که می پراکنید آن را بادها و هست الله بر هر چیزی توانا (۴۵)

ٱلْمَالُ وَٱلْبَنُونَ زِينَةُ ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا ۖ وَٱلْبَٰقِيَٰتُ ٱلصَّٰلِحَٰتُ

مال و فرزندان آرایش زندگانی این دنیاست و ماندگارهای شایسته

خَيْرٌ عِندَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ أَمَلًا ﴿٤٦﴾ وَيَوْمَ نُسَيِّرُ ٱلْجِبَالَ وَتَرَى

بهتر است نزد پروردگارت [از جهت] ثواب و بهتر است [از جهت] امید داشتن ﴿۴۶﴾ و [یاد کن] روزی را که روان کنیم کوه ها را و ببینی

ٱلْأَرْضَ بَارِزَةً وَحَشَرْنَٰهُمْ فَلَمْ نُغَادِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا ﴿٤٧﴾ وَعُرِضُوا۟

زمین را هموار و هویدا و جمع سازیم آنان [مردمان] را پس نگذاریم از ایشان هیچ کس را ﴿۴۷﴾ و عرضه شوند

عَلَىٰ رَبِّكَ صَفًّا لَّقَدْ جِئْتُمُونَا كَمَا خَلَقْنَٰكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍۭ ۚ بَلْ زَعَمْتُمْ

بر پروردگارت صف کشیده هر آینه آمدید پیش ما چنانچه آفریده بودیم شما را اول بار بلکه می پنداشتید

أَلَّن نَّجْعَلَ لَكُم مَّوْعِدًا ﴿٤٨﴾ وَوُضِعَ ٱلْكِتَٰبُ فَتَرَى ٱلْمُجْرِمِينَ

که قرار ندهیم برای شما وعده گاهی را ﴿۴۸﴾ و نهاده شود نامهٔ اعمال پس ببینی بزهکاران را

مُشْفِقِينَ مِمَّا فِيهِ وَيَقُولُونَ يَٰوَيْلَتَنَا مَالِ هَٰذَا ٱلْكِتَٰبِ

ترسان از آنچه در آن [نوشته] است و می گویند ای وای بر ما چیست این نامه

لَا يُغَادِرُ صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً إِلَّآ أَحْصَىٰهَا ۚ وَوَجَدُوا۟ مَا عَمِلُوا۟

که فرو ننهاده است [هیچ گناه] کوچک و نه بزرگی را مگر به شمار آورده است آن را و بیابند هرچه کرده بودند

حَاضِرًا ۗ وَلَا يَظْلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا ﴿٤٩﴾ وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَٰٓئِكَةِ ٱسْجُدُوا۟

پیش رو و ستم نمی کند پروردگار تو بر هیچ کس ﴿۴۹﴾ و [یاد کن] آنگاه که گفتیم به فرشتگان سجده کنید

لِءَادَمَ فَسَجَدُوٓا۟ إِلَّآ إِبْلِيسَ كَانَ مِنَ ٱلْجِنِّ فَفَسَقَ عَنْ أَمْرِ رَبِّهِۦٓ ۗ

برای آدم پس سجده کردند مگر ابلیس بود از جن پس سرپیچید از فرمان پروردگار خود

أَفَتَتَّخِذُونَهُۥ وَذُرِّيَّتَهُۥٓ أَوْلِيَآءَ مِن دُونِى وَهُمْ لَكُمْ عَدُوٌّۢ ۚ

آیا پس می گیرید او را و فرزندان او را دوستان به جای من و ایشان برای شما دشمن اند [شیطان و دوستان او]

بِئْسَ لِلظَّٰلِمِينَ بَدَلًا ﴿٥٠﴾ ۞ مَّآ أَشْهَدتُّهُمْ خَلْقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ

بد است برای ستمکاران به عنوان جایگزین ﴿۵۰﴾ شاهد نگرفته بودم آنان را بر آفریدن آسمان ها

سه چهارم حزب ۳۰

وَٱلْأَرْضِ وَلَا خَلْقَ أَنفُسِهِمْ وَمَا كُنتُ مُتَّخِذَ ٱلْمُضِلِّينَ عَضُدًا

و زمین و نه بر آفریدن خودشان و نگرفته بودم گمراه کنندگان را به مددکاری

﴿٥١﴾ وَيَوْمَ يَقُولُ نَادُوا۟ شُرَكَآءِىَ ٱلَّذِينَ زَعَمْتُمْ فَدَعَوْهُمْ

﴿۵۱﴾ و روزی که فرماید [خدای تعالی] ندا کنید شریکان مرا آنان که می پنداشتید پس ندا کنند آنها را

فَلَمْ يَسْتَجِيبُوا۟ لَهُمْ وَجَعَلْنَا بَيْنَهُم مَّوْبِقًا ﴿٥٢﴾ وَرَءَا ٱلْمُجْرِمُونَ

پس پاسخ نخواهند داد به ایشان قرار دهیم میان آنها هلاکتگاهی [یا فاصله و حائلی] ﴿۵۲﴾ و ببینند بزهکاران

ٱلنَّارَ فَظَنُّوٓا۟ أَنَّهُم مُّوَاقِعُوهَا وَلَمْ يَجِدُوا۟ عَنْهَا مَصْرِفًا ﴿٥٣﴾

آتش را پس یقین کنند که آنان درافتادنی اند در آن و نیابند از آن راه برگشتی را ﴿۵۳﴾

وَلَقَدۡ صَرَّفۡنَا فِي هَٰذَا ٱلۡقُرۡءَانِ لِلنَّاسِ مِن كُلِّ مَثَلٖۚ وَكَانَ
و هر آینه گوناگون بیان کردیم در این قرآن برای مردمان از هر مَثَلی و هست

ٱلۡإِنسَٰنُ أَكۡثَرَ شَيۡءٖ جَدَلٗا ﴿٥٤﴾ وَمَا مَنَعَ ٱلنَّاسَ أَن يُؤۡمِنُوٓاْ
آدمی بیش از هر چیزی در چون و چرا ﴿٥٤﴾ و باز نداشته است مردم را از اینکه ایمان بیاورند

إِذۡ جَآءَهُمُ ٱلۡهُدَىٰ وَيَسۡتَغۡفِرُواْ رَبَّهُمۡ إِلَّآ أَن تَأۡتِيَهُمۡ سُنَّةُ
آنگاه که آمد برای ایشان هنمود و اینکه آمرزش بخواهند از پروردگارشان مگر آنکه برسد به ایشان روش

ٱلۡأَوَّلِينَ أَوۡ يَأۡتِيَهُمُ ٱلۡعَذَابُ قُبُلٗا ﴿٥٥﴾ وَمَا نُرۡسِلُ ٱلۡمُرۡسَلِينَ
پیشینیان یا بیاید بر ایشان عذاب رویارویی ﴿٥٥﴾ و نمی فرستیم پیامبران را

إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَۚ وَيُجَٰدِلُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ بِٱلۡبَٰطِلِ
مگر مژده دهندگان و بیم دهندگان و ستیزه می کنند کسانی که کفر ورزیدند به باطل

لِيُدۡحِضُواْ بِهِ ٱلۡحَقَّۖ وَٱتَّخَذُوٓاْ ءَايَٰتِي وَمَآ أُنذِرُواْ هُزُوٗا ﴿٥٦﴾ وَمَنۡ
تا تباه سازند به سبب آن [جدال] حق را و گرفتند آیات مرا و چیزی را که به آن بیم داده شدند به ریشخند ﴿٥٦﴾ و کیست

أَظۡلَمُ مِمَّن ذُكِّرَ بِـَٔايَٰتِ رَبِّهِۦ فَأَعۡرَضَ عَنۡهَا وَنَسِيَ مَا قَدَّمَتۡ يَدَاهُۚ
ستمکارتر از آن که پند داده شد به آیات پروردگارش پس روی گردانید از آن و فراموش کرد آنچه پیش فرستاده است دو دست وی

إِنَّا جَعَلۡنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمۡ أَكِنَّةً أَن يَفۡقَهُوهُ وَفِيٓ ءَاذَانِهِمۡ وَقۡرٗاۖ
همانا ما قرارداديم بر دل هایشان پرده هایی که نفهمند آن را و در گوش هایشان سنگینی است

وَإِن تَدۡعُهُمۡ إِلَى ٱلۡهُدَىٰ فَلَن يَهۡتَدُوٓاْ إِذًا أَبَدٗا ﴿٥٧﴾ وَرَبُّكَ
و اگر بخوانی ایشان را به سوی هدایت پس هرگز نیایند به راه هیچ گاه ﴿٥٧﴾ و پروردگار تو

ٱلۡغَفُورُ ذُو ٱلرَّحۡمَةِۖ لَوۡ يُؤَاخِذُهُم بِمَا كَسَبُواْ لَعَجَّلَ لَهُمُ
آمرزگار صاحب رحمت است اگر می گرفت ایشان را به سبب آنچه کرده اند هر آینه شتاب می نمود بر ایشان

ٱلۡعَذَابَۚ بَل لَّهُم مَّوۡعِدٞ لَّن يَجِدُواْ مِن دُونِهِۦ مَوۡئِلٗا ﴿٥٨﴾
عذاب را بلکه برای ایشان وعده گاهی است که هرگز نیابند در برابر آن پناهی را ﴿٥٨﴾

وَتِلۡكَ ٱلۡقُرَىٰٓ أَهۡلَكۡنَٰهُمۡ لَمَّا ظَلَمُواْ وَجَعَلۡنَا لِمَهۡلِكِهِم
و آن آبادی ها هلاک کردیم آنها را چون ستم کردند و قرار دادیم برای هلاک شان

مَّوۡعِدٗا ﴿٥٩﴾ وَإِذۡ قَالَ مُوسَىٰ لِفَتَىٰهُ لَآ أَبۡرَحُ حَتَّىٰٓ
وعده گاهی را ﴿٥٩﴾ و [یاد کن] آنگاه که گفت موسی به جوان خود پیوسته راه می روم تا آنکه

أَبۡلُغَ مَجۡمَعَ ٱلۡبَحۡرَيۡنِ أَوۡ أَمۡضِيَ حُقُبٗا ﴿٦٠﴾ فَلَمَّا بَلَغَا
برسم به جایگاه به هم پیوستن دو دریا یا بپویم روزگاری دراز [راه] را ﴿٦٠﴾ پس چون رسیدند

مَجۡمَعَ بَيۡنِهِمَا نَسِيَا حُوتَهُمَا فَٱتَّخَذَ سَبِيلَهُۥ فِي ٱلۡبَحۡرِ سَرَبٗا ﴿٦١﴾
به جایگاه پیوستن آن دو [دریا] فراموش کردند ماهی خود را پس گرفت ماهی راه خود را در دریا به حالت سرازیر ﴿٦١﴾

فَلَمَّا جَاوَزَا قَالَ لِفَتَىٰهُ ءَاتِنَا غَدَآءَنَا لَقَدْ لَقِينَا مِن سَفَرِنَا
پس چون گذشتند گفت[موسی] به جوان خود بیاور برای ما چاشت ما را هر آینه یافتیم از این سفرمان

هَٰذَا نَصَبًا ﴿٦٢﴾ قَالَ أَرَءَيْتَ إِذْ أَوَيْنَآ إِلَى ٱلصَّخْرَةِ فَإِنِّى نَسِيتُ
رنجی سخت (۶۲) گفت آیا دیدی آنگاه که جای گرفتیم به نزد آن تخته سنگ پس من فراموش کردم

ٱلْحُوتَ وَمَآ أَنسَىٰنِيهُ إِلَّا ٱلشَّيْطَٰنُ أَنْ أَذْكُرَهُۥ وَٱتَّخَذَ سَبِيلَهُۥ
ماهی را و فراموشم نساخت آن را مگر شیطان که یاد کنم آن را و گرفت [ماهی] راه خود را

فِى ٱلْبَحْرِ عَجَبًا ﴿٦٣﴾ قَالَ ذَٰلِكَ مَا كُنَّا نَبْغِ فَٱرْتَدَّا عَلَىٰٓ ءَاثَارِهِمَا
در دریا به شیوه ای شگفت (۶۳) [موسی] گفت آن [جایگاه] همان است که ما می‌جستیم پس بازگشتند بر ردّ پای خود

قَصَصًا ﴿٦٤﴾ فَوَجَدَا عَبْدًا مِّنْ عِبَادِنَآ ءَاتَيْنَٰهُ رَحْمَةً مِّنْ
پی جویان (۶۴) پس یافتند بنده ای از بندگان ما را که دادیم به او رحمتی را از

عِندِنَا وَعَلَّمْنَٰهُ مِن لَّدُنَّا عِلْمًا ﴿٦٥﴾ قَالَ لَهُۥ مُوسَىٰ هَلْ أَتَّبِعُكَ
نزد خود و آموختیم به او از نزد خود دانشی را (۶۵) گفت به او موسی آیا پیروی کنم تو را

عَلَىٰٓ أَن تُعَلِّمَنِ مِمَّا عُلِّمْتَ رُشْدًا ﴿٦٦﴾ قَالَ إِنَّكَ لَن تَسْتَطِيعَ
به شرط آنکه بیاموزی به من از آنچه آموخته شده ای از راهدانی (۶۶) گفت همانا تو هرگز نتوانی

مَعِىَ صَبْرًا ﴿٦٧﴾ وَكَيْفَ تَصْبِرُ عَلَىٰ مَا لَمْ تُحِطْ بِهِۦ خُبْرًا ﴿٦٨﴾ قَالَ
با من شکیبایی کردن (۶۷) و چگونه شکیبایی کنی بر چیزی که احاطه نیافته‌ای به آن ا زجهت آگاهی؟ (۶۸) گفت

سَتَجِدُنِىٓ إِن شَآءَ ٱللَّهُ صَابِرًا وَلَآ أَعْصِى لَكَ أَمْرًا ﴿٦٩﴾ قَالَ
خواهی یافت مرا اگر خواهد الله صبرکننده و نافرمانی نکنم از تو در هیچ کاری (۶۹) گفت

فَإِنِ ٱتَّبَعْتَنِى فَلَا تَسْـَٔلْنِى عَن شَىْءٍ حَتَّىٰٓ أُحْدِثَ لَكَ مِنْهُ ذِكْرًا
اگر از من پیروی کردی پس مپرس از من از چیزی تا آنکه خود آغاز کنم برای تو از آن سخن را

﴿٧٠﴾ فَٱنطَلَقَا حَتَّىٰٓ إِذَا رَكِبَا فِى ٱلسَّفِينَةِ خَرَقَهَا ۖ قَالَ أَخَرَقْتَهَا
(۷۰) پس هر دو رفتند تا وقتی که سوار شدند در کشتی شکافت آن را گفت[موسی] آیا شکافتی آن را

لِتُغْرِقَ أَهْلَهَا لَقَدْ جِئْتَ شَيْـًٔا إِمْرًا ﴿٧١﴾ قَالَ أَلَمْ أَقُلْ إِنَّكَ
تا غرق کنی اهل آن را هر آینه انجام دادی کاری بسیار زشت را (۷۱) گفت آیا نگفته بودم که تو

لَن تَسْتَطِيعَ مَعِىَ صَبْرًا ﴿٧٢﴾ قَالَ لَا تُؤَاخِذْنِى بِمَا نَسِيتُ وَلَا
نتوانی با من شکیبایی را (۷۲) گفت [موسی] بازخواست مکن مرا به آنچه فراموش کردم و

تُرْهِقْنِى مِنْ أَمْرِى عُسْرًا ﴿٧٣﴾ فَٱنطَلَقَا حَتَّىٰٓ إِذَا لَقِيَا غُلَٰمًا فَقَتَلَهُۥ
برمن تحمیل مکن در کارم دشواریی را (۷۳) پس هر دو رفتند تا آن که دیدار کردند پسری را پس بکشت او را

قَالَ أَقَتَلْتَ نَفْسًا زَكِيَّةًۢ بِغَيْرِ نَفْسٍ لَّقَدْ جِئْتَ شَيْـًٔا نُّكْرًا ﴿٧٤﴾
گفت [موسی] آیا کُشتی فرد پاکی را بی آنکه کسی را [کشته باشد] هر آینه مرتکب شدی کاری ناپسند را (۷۴)